



دکتر حداد عادل در نشست علمی آموزش و پرورش از نهاد آموزشی تا نهاد فرهنگی:

تربیت، مهندسی کردن ارزش‌های اخلاقی است

اشاره

آنچه می‌خوانید، خلاصه‌ای از سخنان آقای دکتر حداد عادل در نشست علمی است که در آذرماه ۹۳ در محل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار شد که به‌لحاظ اهمیت موضوع، خلاصه آن در اینجایم آید.

تربیت، دشوارتر و مهم‌تر از آموزش

دکتر غلامعلی حداد عادل خوشحالی خود را از حضور در همایش «آموزش و پرورش از نهاد آموزشی تا نهاد فرهنگی» ابراز کرد و بهترین سال‌های عمرش را روزهای سپری شده در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش دانست:

– بهترین سال‌های عمرم را در این سازمان و این ساختمان سپری کرده‌ام. وقتی اینجا می‌آیم، حال کسی را دارم که بعد از مدت‌ها دوری به شهر خود و میان همشهریان بازگشته است؛ حتی همشهریانی که پیش از این ندیده‌ام. ۲۲ آبان سال ۷۳، بعد از ۱۳ سال کار در سازمان، از اینجا رفتم. اکنون برخی از همکاران آن زمان بازنشسته شده‌اند و عده‌ای هم بعد از آن آمده‌اند. اما هنوز در این محیط احساس سکونت و آشنایی می‌کنم.

وی اشاره کرد نمی‌خواهد راجع به تألیف سخن بگوید، چون چیزی که ذهن او را مشغول کرده،

پرورش است. به‌همین خاطر گفت که حرف‌های کنونی‌اش از جنس پرورشی است و سهم سازمان را در پرورش کمتر از پژوهش نمی‌داند:

– چون جایگاه شما را در تفکر مهم می‌دانم، به‌منظرم رسید مطلبی را که مدت‌هاست ذهن مرا مشغول کرده است با شما در میان بگذارم تا با هم فکر کنیم و راه‌های مناسبی برای چگونه تربیت کردن پیدا کنیم. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با بیان اینکه آموزش و پرورش از دو بخش تشکیل شده است گفت: «مقصود از آموزش روشن است. ما در بسیاری از امور آموزش، با بقیه جاهای دنیا اشتراک داریم. در برخی روش‌ها اقتباس هم می‌کنیم؛ مثل فیزیک و شیمی و ریاضی و خوب هم هست. کسی راهی را رفته و نتیجه هم گرفته است، ما نتیجه را می‌گیریم و استفاده می‌کنیم. اما بحث امروز من درباره پرورش است.»

دکتر حداد با طرح پرسش‌هایی چون «مراد از پرورش چیست؟ و باید با آن چه کنیم؟» خودش جواب داد: «وظیفه معاونت پرورشی در وزارتخانه، پرورش نسل فرداست تا آن‌ها را طبق هنجارهای مشخص تربیت کند تا جامعه آینده هویتی داشته باشد و رذایل اخلاقی کمتر و فضایل اخلاقی بیشتر شوند.

وی رسیدگی به امور پرورشی و تربیتی را وظیفه مهمی بیان کرد که فقط به عهده وزارت



آموزش و پرورش است و هیچ دستگاه دیگری مسئول آن نیست، اما معاونت این امر، در وزارتخانه، از همان ابتدای تأسیس، قوت نگرفت. الان هم این احساس در من است که معاونت پرورشی به آن میزان از قوت نرسیده است که وجودش تعیین کننده شود.

دکتر حداد عادل از تفاوت میان اخلاق و تربیت گفت و اخلاق را بیان سلسله ارزش‌هایی معرفی کرد که خوب و بد آن مشخص است؛ مثل راستگویی و دروغگویی. اما تربیت را روشی مهندسی معرفی کرد که بر پایه قوانینی است. ایشان از آن روش با عنوان «مهندسی کردن ارزش‌های اخلاقی و محقق ساختن آن‌ها» یاد کرد:

- اخلاق و تربیت با یکدیگر تفاوت دارند. تفاوت آن‌ها مانند علوم پایه و مهندسی است. در مهندسی، هر کاری بر اساس قوانین علوم پایه است، اما کار مهندس با کار دانشمند علوم پایه تفاوت دارد. این تفاوت بین تربیت و اخلاق نیز وجود دارد. در واقع تربیت، مهندسی کردن ارزش‌های اخلاقی است. در آموزش و پرورش فاصله‌ای میان اخلاق و تربیت وجود دارد، اما ما به جای کار تربیتی، بیشتر موعظه اخلاقی می‌کنیم.

وی از فاصله میان اخلاق و تربیت گفت و ایجاد پلی بین این دو را برای رسیدن از اخلاق به تربیت لازم دانست. همچنین، موعظه اخلاقی و پند و نصیحت صرف به منظور تربیت را ناکارآمد خواند و اخلاق را ریشه و مبنایی معرفی کرد که فقط با پند و نصیحت حاصل نمی‌شود. او در همین مورد به برنامه‌های رادیو و تلویزیون در نصیحت‌های اخلاقی اشاره کرد که با وجود فراوانی، تاکنون نتیجه مطلوب نداشته است.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، تربیت را دشوارترین و مهم‌ترین کار آموزش و پرورش دانست و برای بیان اهمیت و دشواری آن مثال آورد:

- هنگامی می‌توان به این اهمیت و دشواری پی برد که مدرسه‌ای در اختیار شما بگذارند و ۱۵۰ دانش‌آموز تحویل شما بدهند و از شما بخواهند دوازده سال آن‌ها را تربیت کنید. اشتباه است اگر بدون داشتن برنامه و کار علمی، انتظار داشته باشیم بعد از این مدت دانش‌آموزان را آراسته به فضایل اخلاقی تحویل دهند.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مناسب‌ترین کلمه برای تربیت را، «بارآوری» دانست و از حلقه مفقوده‌ای یاد کرد که میان رسیدن از اخلاق به تربیت وجود دارد. او خطاب به حضار گفت: «همه می‌دانند راستگویی، نوع دوستی، نظم، پرکاری و امثال این‌ها خصلت‌های خوب‌اند، اما سؤال این است که چگونه دانش‌آموزانی را که به شما سپرده‌اند، با

این خوبی‌ها بار آورید؟ تربیت کار مستمری است و با یک بار گفتن درست نمی‌شود. مثل تهیه مرباست که از ابتدا تا انتها باید بالای ظرف ایستاد و از آن مراقبت کرد تا عمل یا بار بیاید. برای همین هم مربا از ریشه تربیت است. بچه هم بیست سال مراقبت مستمر، هدفمند و علمی لازم دارد تا خوب بار بیاید. این همان پل بین اخلاق و تربیت است.

دکتر حداد عادل کودکان را به موم عسل تشبیه کرد که دست‌های ماهری نیاز است تا آن‌ها را خوب شکل دهند. وی از معلمان خواست برای این موضوع مهم بسیار فکر کنند که چگونه می‌توان دانش‌آموزانی را که سال‌ها در اختیارشان می‌گذارند، خوب تربیت کنند؟

- خود من هر جا هر چه از رفتارهای جامعه دیدم یا شنیدم، فهرست کردم. نقطه مقابل آن را هم نوشتم. بعد از خود پرسیدم برای تبدیل تنبلی به پرکاری یا دروغگویی به راستگویی چه باید بکنم؟ متوجه شدم برنامه و عمل دقیق و حساب‌شده لازم است. باید قواعد درستی را مهندسی کرد. نیاز به تخصص دارد و این تخصص مهم‌تر و دشوارتر از آموزش است. نیاز به آسیب‌شناسی در سنین مختلف دارد.

وی بر اندیشیدن برای چگونه تربیت کردن تأکید کرد و راه‌هایی چون خلاقیت تربیت‌کنندگان و ممارست و استمرار را در این باره برشمرد. بعد هم خاطره‌ای از سفرش به آلمان نقل کرد که از پنجره هتل دیده است چگونه یک مربی کنار چهارراهی، به بچه‌ها آموزش می‌داده است:

- دست شش بچه را گرفته بود و احترام به قانون را به آن‌ها یاد می‌داد. آن‌ها را پشت چراغ قرمز نگه می‌داشت، تا چراغ سبز شود. بعد آن‌ها را سمت چراغ قرمز خیابان دیگری می‌برد و نگه می‌داشت تا باز چراغ سبز شود. بارها و بارها بچه‌ها را فقط پشت چراغ قرمز نگه می‌داشت تا کاملاً ملکه ذهنشان شود که معنای چراغ قرمز در قانون راهنمایی و رانندگی توقف است.

این خاطره، تجربه‌ای برای دکتر حداد عادل بود تا در پایان سخنانش به حضار پیشنهاد کند:

- الان ما فقط اطلاع‌رسانی می‌کنیم، در حالی که باید راه عملی هم پیدا کنیم.

- و اکنون من دارم احساسم را منتقل می‌کنم تا به احساسی جمعی برسیم و برای هر ارزش اخلاقی، خودمان راه عملی را تجربه کنیم و بچه‌ها را با آن روش تمرین دهیم و آن را اجرا کنیم تا نتیجه تربیت بچه شش ساله، در شانزده سالگی معلوم شود. این‌ها به تمرین و تجربه و البته ابتکار خود معلمان نیاز دارد.

